

۱

حاج شیخ عباس قمی، حدیث نجابت



محمد تقی ادهم نژاد

مقدمه

«مفاتیح الجنان» می‌باشند.

خانواده

حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ ق در میان خانواده مذهبی و با فضیلت در شهر مقدس قم پا به عرصه گیتی نهاد و دوران کودکی را در همین شهر مذهبی پشت سر نهاد. پدر بزرگوارش از مردان صالح و پرهیزگار قم بود که از علاقه‌مندان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به شمار می‌رفت. مادر پارسا و ارجمند وی نیز از زنان پاکدامن و آشنای به

یکی از زیاده‌ترین چهره‌های درخشان روحانیت معاصر در علوم اسلامی، به خصوص در رشته‌های حدیث، تاریخ و تبلیغ، حاج شیخ عباس قمی بوده است. مسلمانان و شیعیان در همه بلاد با نام خوش آهنگ و آثار و کتب جاویدان و مواعظ جذاب و تأثیرگذار این مورخ شهیر و محدث امین و مبلغ و واعظ پارسا آشنایی دارند. وی صاحب کتابهای ارزشمند و متعدد از جمله کتاب همیشه جاویدان

وی از دانش بیکران بزرگان و اساتید بزرگوار علمی ذیل خوشه چینی کرده است:

۱. آیه الله میرزا محمد ارباب قمی (م ۱۳۴۱ ق)؛

۲. آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی (م ۱۳۵۳ ق)؛

۳. آیه الله حاج سید احمد طباطبایی قمی، ابو الزوجه معظم له (م ۱۳۳۴ ق)؛

۴. شیخ محمد حسین قمی، استاد خط نستعلیق.

نجف اشرف

حجاج شیخ عباس قمی برای تکمیل علوم و معارف الهی و نیل به مقامات عالیه علمی و معنوی و استفاده از محضر فرزندان نامدار دانشگاه علوی، وارد شهر مقدس نجف اشرف گردید. وی سال ورود خود را به نجف اشرف ۱۳۱۶ ق در حالی که ۲۲ بهار از عمر شریفش می گذشت، ذکر کرده است.

اساتید وی در نجف اشرف

مسائل اسلامی و متعلق به اخلاق الهی بود. مادر گرامی حاج شیخ عباس قمی، امتیازات معنوی فراوانی داشت که از جمله آن امتیازات، تقید به خواندن نماز در اول وقت بود؛ به طوری که حتی اگر میهمان هم داشت، اول نماز را می خواند و بعد از آنان پذیرایی می کرد.

این بانوی پارسا و نمونه درباره فرزندش گفته است: «در این مدت دو سالی که عباس را شیر می دادم، حتی یک دفعه هم بی طهارت به او شیر ندادم.» و شاید به همین دلیل است که خود حاج شیخ عباس قمی هم فرموده است: «من هر موفقیتی که دارم، از برکت مادرم هست؛ زیرا ایشان سعی داشت همیشه مرا با طهارت کامل شیر بدهد. او واقعاً از زنان متدینه بود.»^۱

تحصیلات

شیخ عباس قمی، دوران کودکی را در فضایی آکنده از معنویت پشت سر گذاشت و با تشویقهای صمیمانه والدین، تحصیلات علوم دینی را آغاز کرد و مقدمات و سطح را در نزد اساتید مبرز حوزه علمیه قم فرا گرفت.

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۴۰.

عبارت‌اند از:

وی پس از بهبودی کامل به شهر محبوب خود (قم) می‌آید و به کار تألیف و تصنیف و احتمالاً به درس و بحث اشتغال می‌ورزد و از محضر اساتید سابق خود در قم بهره‌مند می‌شود.

حاج شیخ عباس قمی در همین مدت اقامت در قم، ازدواج می‌کند. همسر او دختر مرحوم آیه‌الله سید زکریا قزوینی از علمای اعلام قم بود. این وصلت بعد از چندی به جدایی می‌گردد و حاج شیخ از این نظر سخت افسرده و اندوهگین می‌شود؛ به گونه‌ای که برای رفع آن هم و غم در صدد بر می‌آید که به زیارت حضرت رضا علیه السلام برود.

اقامت در مشهد مقدس

حاج شیخ عباس قمی در روز جمعه اول ربیع الثانی ۱۳۳۲ ق به قصد

۱. شرح حالات اساتید حاج شیخ عباس قمی در کتب و منابع ذیل آمده است: نقیه البشر، ج ۱، ص ۱۲۱؛ فوائد الرضویة، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۲۳۶ و ج ۲، ص ۶۰۲؛ علماء معاصرین، ص ۱۳۰؛ تاریخ قم با تحقیق و اضافات و مقدمه استاد علی دوانی، ص ۲۴۶؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۴۴۵؛ مفاخر اسلام، ج ۱۱، صص ۲۳۰-۲۵۹.

۱. آیه‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، صاحب العروة الوثقی (م ۱۳۳۷ ق)؛

۲. محدث عالی مقام، علامه حاج میرزا حسین نوری مازندرانی (م ۱۳۲۰ ق)؛

۳. آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی، مشهور به میرزای کوچک یا میرزای دوم (م ۱۳۳۸ ق)؛

۴. آیه‌الله سید حسن صدر کاظمی (م ۱۳۵۴ ق)؛

۵. آیه‌الله سید ابوالحسن نقوی لکنهویی مقیم هندوستان (م ۱۳۵۵ ق).^۱

بازگشت مجدد به قم

حاج شیخ در سال ۱۳۲۲ ق در راه بازگشت به وطن، موفق به اتمام کتاب ارزشمند و گران قدر «هدیه الزائرین» می‌شود و از راه بغداد و مرز خسروی و قصر شیرین وارد کرمانشاه می‌گردد. ظاهراً علت هجرت وی در آن موقع، ابتلا به بیماری وبا و شیوع آن در عراق بوده است که تا بهبودی کامل از بیماری وبا در کرمانشاه می‌ماند.

می آورند.

بعد از آنکه این بانو را از قسم به مشهد می آورند و مراسم عقد صورت می گیرد، حاج شیخ در خانه محقری در جوار منزل آیه الله سید صدر الدین صدر (م ۱۳۷۳ ق)، داماد بزرگ آیه الله حاج آقا حسین قمی که در همان سال از عتبات به مشهد مقدس آمده بود، سکونت می ورزد.

مرحوم میرزا علی محدث زاده (فرزند حاج شیخ) می گوید: «خانه ما در مشهد با خانه آیه الله صدر به هم راه داشت؛ چون پدر ما، مرحوم حاج شیخ عباس، دوره سال، تقریباً شش ماه در مسافرت بود. در واقع، مرحوم آیه الله صدر ما را بزرگ کرد. آن مرحوم ما را مثل فرزندان خود می دانست.»^۱

پناهنده به حضرت رضا علیه السلام

حاج شیخ عباس قمی، علت پناهنده شدن خود به مشهد مقدس را این گونه بیان می کند:

«به جهت شدت ابتلا و گرفتاری و کثرت هموم و غموم که بر این داعی

اقامت وارد مشهد مقدس می گردد. علت اقامت وی در مشهد مقدس، تقاضای مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی (م ۱۳۶۵ ق) بوده است که قبلاً باجناب حاج شیخ عباس به شمار می رفت.

حاج شیخ عباس در منزل آیه الله قمی، اتاقی در بالاخانه داشته که در آنجا می نشست و مشغول کار بوده و از آنجا قبه و بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام را می دیده است و هر لحظه که در موقع مطالعه و چیز نوشتن، سر بر می داشته، آن بارگاه پر نور در مقابل دیدگانش قرار داشته و برایش بسیار لذت بخش بوده است. در آن اتاق و با آن وضع و حال، به کار تألیف اثر نفیس و ارزشمند «فوائد الرضویة» اشتغال می یابد.

پس از آنکه در مشهد قصد اقامت می کند، مرحوم آیه الله قمی به وی می گوید: می نویسم به قم و دختر اخوی (آیه الله حاج سید احمد طباطبایی) را برای شما خواستگاری می کنم. همین طور هم می شود و همسر دومش را از قم به مشهد

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۶۱

روی داد و شرح آن طولانی است، به خاطر م رسید که پناه برم به امام اتقیا و پناه غربا، حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام،... پس اسباب سفر مهیا کردم و از دار الایمان قم به صوب ارض اقدس توجه نمودم.... چندان مرحام الطاف و نعمت از آن رحمت الهی و نعمت نامتناهی در خود مشاهده کردم که هوس مجاورت آن آستانه مقدسه را نمودم....

با آنکه در این قطعه از زمان که فتنه‌های بی‌پایان چون پاره‌های شب مظلم متراکم، و بر تمام بلاد و عباد متهاجم گشته و به حکم «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَحَوَالِهَا وَتَوَاجِئِهَا فَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعٌ عَنْهَا»^۱ شایسته است که هر کس بتواند مهاجرت به بلده طیبه قم نماید تا چه رسد به کسی که قم وطن او باشد؛ لکن این شکسته مهجور، چندان مغمور در نعمت بی‌پایان حضرت سلطان خراسان گشتم که مرارت غربت را در این آستان ملایک پاسبان بر کام خود شیرین دیدم و رغبت مراجعت به وطن را به خود ندیدم، بلکه سختیهای کشیده و

تلخیهای چشیده را شکر گفتم و منتها پذیرفتم.

شاهان من از به عرش رسانم سریر فضل مملوک آن جنابم و محتاج این درم نسامم ز کسارخانه عشاق محو باد
گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم
از جمله نعمتهایی که خداوند متعال به برکت این امام علیه السلام به من روزی کرد، این است که مرا وارد ساخت به خانه سید بزرگوار، عالم محقق و فاضل مدقق پرهیزگار، سیدنا حاج آقا حسین قمی که در خوبی و شایستگی عدیل و نظیر ندارد....^۲

توفیقات فراوان

مرحوم حاج شیخ عباس قمی یکی از برجسته‌ترین و آگاه‌ترین و موفق‌ترین چهره‌های درخشان روحانیت شیعه به شمار می‌روند که همه عمر شریف و گران قدرش را در سنگر دفاع از حریم پاک خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام سپری ساخت.

۱. سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۵۷. «زمانی که فتنه‌ها و بلاهای شهرها را فرا گیرد، بر شما باد به قم و حوالی آن؛ زیرا بلاها از آن دفع شده است.»
۲. فوائد الرضویة، ص ۳.

تقوا و پرهیزگاری، زهد و پارسایی، تهجد و شب زنده داری، عشق زائد الوصف به کتاب، احاطه بر علوم مختلف اسلامی خصوصاً حدیث و تاریخ، عشق فوق العاده به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و روحیات و صفات عرفانی و اسلامی، نام و آثار او را برای همیشه تاریخ ماندگار کرده است.

برکات آثار او شامل همه اقشار جامعه از عالم و عامی، و شهری و روستایی، و در داخل و خارج کشور نیز شده است و باید با صراحت گفت: نام و آثار پر خیر و برکت این روحانی خدوم و با اخلاص، همچون خورشید فرزوزان بر تارک سرزمین علم و فضیلت می درخشد و همگان از آن انتفاع می برند.

صفات و کمالات

مرحوم حاج شیخ عباس قمی، توفیقات فراوانی در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته است. او محقق زبر دست در عرصه علم و دانش و فضیلت، نویسنده ای توانا، واعظی تأثیر گذار، مورخی با انصاف،

محدثی مورد وثوق و... بوده است که توضیح صفات و کمالات اخلاقی و علمی و تألیفات آن بزرگوار در کتب مختلف، به ویژه در دو اثر ارزشمند: «حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت» و «مفاخر اسلام، ج ۱۱» تألیف استاد علی دوانی، به تفصیل آمده است.

به برخی از اوصاف و کمالات آن بزرگوار از دیدگاه بزرگان و علمای بزرگوار شیعه اشاره می کنیم:

۱. تقوا و پرهیزگاری

فرزند بزرگش، مرحوم میرزا علی محدث زاده، می گوید: «مرحوم محدث روزی به من گفت: وقتی کتاب «منازل الآخرة» را تألیف و چاپ کردم، یک نسخه آن به دست شیخ عبد الرزاق مسئله گو که همیشه قبل از ظهر در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مسئله می گفت، افتاد.

مرحوم پدرم، کربلایی محمد رضا، از علاقه مندان شیخ عبد الرزاق بود و هر روز در مجلس او حاضر می شد. عبد الرزاق روزها کتاب «منازل الآخرة» را در دست گرفته، برای

طهارت حدیثی یادداشت نمی‌کرد و یا دست بی‌وضو بر صفحه کتاب حدیث یا جلد آن نمی‌گذاشت و همواره هنگام مطالعه کتب حدیث، دو زانو و رو به قبله می‌نشست.

مرحوم میرزا علی محدث زاده می‌گوید: «فراموش نمی‌کنم زمانی که در نجف اشرف بودیم، یک روز صبح در حدود سال ۱۳۵۷ ق، یعنی دو سال قبل از وفاتشان، از خواب برخاستند و اظهار داشتند: امروز چشمم به شدت درد می‌کند و قادر به مطالعه و نوشتن نیستم و بسیار ناراحت به نظر می‌رسید و تقریباً زبان حالشان این بود که شاید خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله مرا از در خانه‌شان طرد کرده باشند و این مطلب را با تأثر گفت و گریست.

در آن اوقات، مشغول تحصیل بودم. رفتم به درس و ظهر که به خانه برگشتم، دیدم ایشان مشغول نوشتن هستند. عرض کردم: درد چشمتان بهتر شد؟ فرمود: درد به کلی مرتفع گردید. سؤال کردم: به چه چیز معالجه

مستمعین می‌خواند. یک روز پدرم به خانه آمد و گفت: شیخ عباس! کاش مثل این مسئله گو می‌شدی و می‌توانستی منبر بروی و این کتاب را که امروز برای ما خواند، بخوانی! چند بار خواستم بگویم: آن کتاب از آثار و تألیفات من است؛ اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم، فقط عرض کردم: دعا بفرمایید خداوند توفیقی مرحمت فرماید!»^۱

شاید همین گفته پدر و آرزویی که داشته است، موجب می‌شود که فرزند لایق او پایه عرشه منبر بگذارد و چنان به وعظ و موعظه دست پیدا کند که آوازه منابر وی در همه جا مشهور شود و زبانزد خاص و عام گردد؛ منبری گرم و مؤثر و سخنانی نافذ که از دل بر می‌آمد و بر دل می‌نشست و همه را تحت تأثیر قرار می‌داد.

۲. شفای چشم با کتاب کافی

حاج شیخ عباس قمی، همان خضوعی که در برابر قرآن داشت، نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام و آثار و احادیث آن ذوات مقدس نیز از خود نشان می‌داد. هیچ‌گاه بدون وضو و

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۲۱.

فرمودید؟ گفتند: وضو ساختم و مقابل قبله نشستم و کتاب کافی را به چشم کشیدم، درد چشم برطرف شد. و تا پایان عمر دیگر به درد چشم مبتلا نگردید.^۱

تأثیر مواعظ

محدث قمی شبهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر، واقع در صحن مطهر رضوی، به عنوان درس اخلاق برای طلاب علوم دینی مینرفتند و نزدیک به هزار نفر از طلاب و علمای بزرگ در آن مجلس شرکت می کردند. منبر ایشان حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول می کشید و در مباحث مختلف اخلاقی سخن می گفت. واعظ دانشمند آقای راشد که در آن زمان یکی از طلاب حاضر در مجلس حاج شیخ بوده است، در مورد نفوذ سخنان ایشان چنین می گوید:

«اثر یک منبر ایشان در آن دو شب تا یک هفته در ما باقی بود. در طول یک هفته، مضامین سخنان آن مرحوم در اعماق دل ما ریشه دوانیده و ما را به خود مشغول داشته بود؛ به طوری که تا هفته بعد کاملاً تحت تأثیر آن بودیم.

سخنان نافذ آن مرحوم چنان بود که تا یک هفته انسان را از پندارهای ناروا و گناهان باز می داشت و به خداوند متعال متوجه می کرد.^۲

مرحوم آیه الله آقا شیخ کاظم دامغانی از علمای بزرگ مشهد مقدس می گوید:

«منبرهای حاج شیخ نورانیت عجیبی داشت و جز اخبار و احادیث و تاریخ، چیزی دیگری نبود. روضه را هم خیلی ساده می خواندند؛ اما چون با حال می خواندند و خودشان هم منقلب می شدند، مردم را فوق العاده منقلب می کردند. در یکی از سالها، روز تاسوعا در مجلس منزل آیه الله حاج آقا حسین قمی، صبح همه منبرها منبر رفتند و هر چه راجع به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بود، گفتند و بعد از همه آنها مرحوم حاج شیخ عباس منبر رفتند.

وقتی وارد روضه شدند، شروع کردند به خواندن اشعار جناب ام البنین

۱. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان ماهنامه

کوثر، ج ۴، ص ۱۶۴.

۲. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۰۳.

به او می‌فرمایند: اگر انسان ضامن مالی مردم، مثلاً عطار و بقال باشد، می‌تواند از عهده بر آید و دین خود را ادا کند؛ ولی افرادی که پای منبر می‌نشینند، عمر خود را در اختیار گویند می‌گذارند. او ضامن عمر آنهاست. اگر بی‌مطالعه منبر برود، چگونه می‌تواند از عهده بر آید!»^۳

ادامه دارد...



۱. همان، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۳۷۰.

۳. همان، ص ۳۹۵.

«لَا تَدْعُونِي وَ يَكُ امَّ الْبَيْتِي» تا آخر. من از شدت گریه از حال رفتم. وقتی مرا به حال آوردند، دیدم یازده نفر در اطراف من هنوز در حال بیهوشی هستند. خود ایشان هم حال عجیبی داشتند و گریه می‌کردند.»^۱

مبلغ، ضامن عمر مردم

عارف نامدار، آیه الله بهاء الدینی، به نقل از فرزند ارشد مرحوم محدث قمی می‌گوید: «یک روز در تهران منبری رفتم و در آن منبر حدیثی را بیان کردم. وقتی پایین آمدم، شخصی پرسید: این حدیث در کجاست؟ هر چه فکر کردم، یادم نیامد که کجا دیده‌ام. چون قبل از منبر ندیده بودم، لذا حضور ذهنی به سندش نداشتم و در جواب ماندم. شب پدرم مرحوم حاج شیخ عباس را در خواب دیدم که فرمودند: این حدیث در فلان کتاب و فلان صفحه هست؛ اما چرا بی‌مطالعه منبر می‌روی؟ همیشه اول مطالعه کن و بعد منبر برو!»^۲

و یکی از علمای مشهد می‌گوید: «واعظی بدون مطالعه به منبر رفته بود. مرحوم حاج شیخ عباس در عالم رؤیا